



سال ششم-شمارهٔ ۵۱
۲۰ آبان تا ۲۰ آذر ۱۳۸۷



اشاره:

با شروع ورشکستگی و بحران های پی در پی اقتصاد آمریکا و در پی آن سقوط بازار های سهام در اروپا و تسریع آن به بازار های آسیایطی هفته های گذشته خبرگزاری بی . بی . سی به عنوان یکی از مرکز اصلی اطلاع رسانی در نظام جهانی سرمایه سالاران غرب با ریشه یابی بحران مذکور از نگاه مارکس پرداخته است که بخش هایی از آن به شرح زیر تقدیم شما می شود : اعتقاد داریم مطالعه ی اندیشه های کلاسیک علم اقتصاد برای خوانندگان خالی از لطف نخواهد بود.

به دنبال اعلام ورشکستگی "لیمن برادرز"، یکی از بزرگترین بانک های ایالات متحده، روزنامه گاردین چاپ لندن نوشت که اگر کارل مارکس زنده بود از آشوب امروز در نظام سرمایه داری به ذوق می آمد، زیرا در بحرانی که سراسر نظام مالی جهان را فرا گرفته، برخی از نظریات خود را محقق می دید.در آلمان فروش آثار کارل مارکس، به ویژه اثر کلیدی او "سرمایه" بالا رفته است. بنگاه انتشاراتی "کارل دیتس" در برلین خبر می دهد که از زمان آشکار شدن بحران فراگیر مالی جهانی، فروش آثار کارل مارکس سه برابر شده است. در آلمان حتی رأس نظام مالی کشور، یعنی پر آشتاین بروک، وزیر دارایی، در گفتگویی با هفته نامه "اشپیگل"، اعتراف می کند: "مارکس خیلی اشتباه نمی کرد؛ یک سرمایه داری لگام گسسته، آن گونه که ما شاهدش بودیم، دست آخر خود را نیز می بلعد.

اقتصاد مارکسی: دمانسج بحران

کارل مارکس بیش از هر متفکر دیگری در تاریخ علم اقتصاد در باره بحران در نظام سرمایه داری اندیشیده و قلم زده است. هسته مرکزی در اندیشه پایه گذار "سوسیالیسم علمی" در نقد نظام سرمایه داری آنست که بحران، همزاد این نظام است و سرانجام آن را به سوی زوال و نابودی می کشاند.

مارکس که در آرزوی برانداختن نظام موجود و برپا کردن نظمی تازه بود، تصمیم گرفت نظریات سیاسی خود را با داده های اقتصادی مستدل کند. او که پس از شکست انقلابات ۱۸۴۸ در رشته ای از کشورهای اروپایی، از سکونت در بیشتر کشورهای اروپای غربی منع شده بود، به ناچار از سال ۱۸۴۹ به لندن رفت و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. در انگلستان او فرصت یافت که با دوری نسبی از فعالیت سیاسی، به مطالعه دقیق علم اقتصاد بپردازد. او هر روز به کتابخانه "بریتیش میوزیوم" می رفت و تمام وقت به مطالعه متون، اسناد و مجلات اقتصادی می پرداخت و یادداشت برمی داشت.

پیش از نگارش کار بزرگ "سرمایه"، مارکس مجموعه بزرگی از یادداشت های خود را به عنوان "گروندر یسه، یا کار پایه نقد اقتصاد سیاسی" به رشته تحریر در آورد، که مدتها پس از مرگش در سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ نخستین بار در اتحاد شوروی (سابق) چاپ شد. این اثر که به فارسی نیز ترجمه شده، شالوده کتاب سرمایه و به طور کلی سنگ بنای وجه اقتصادی مارکسیسم به شمار می رود.

نقد سرمایه داری کلاسیک

مارکس برای خود وظیفه ای سترک در نظر گرفته بود: او قصد داشت در اثری یگانه، تمام ویژگی ها، جوانب، روابط و موازین نظام سرمایه داری را تحلیل و نقد کند. کتاب سرمایه جا به جا با دآوری های هیجان آمیز و شعارهای تند و نیز سیاسی آمیخته است، با این حال

وزیر دارایی آلمان در گفت وگو با خبرگزاری بی . بی . سی:

مارکس خیلی هم اشتباه نمی کرد

سرمایه داری لگام گسسته خود را می بلعد

اثری بسیار پرمغز و پیچیده است. اغلب پیروان مارکس نه متن مفصل اصلی، بلکه متن فشرده و ساده شده آن را می خوانند، زیرا بیشتر به استنتاجات سیاسی آن نظر دارند. از نظر بخش بندی و عرضه مطالب نیز سرمایه بیش از حد لزوم مغلق و پراطناب است، و از نظم و سیاقی روشن و سنجیده دور است. اما با وجود این کاستی ها، "سرمایه" حتی برای کارشناسان مخالف مارکسیسم، اثری کلیدی در نقد نظام سرمایه داری کلاسیک، تحلیل ساختارها و تشریح مشکلات آن به شمار می رود.

کتاب سرمایه ، علم بحران

جلد اول سرمایه تنها در هزار نسخه به سال ۱۸۶۷ در هامبورگ منتشر شد. (مارکس در سال ۱۸۸۳ درگذشت.) جلد دوم سرمایه در سال ۱۸۸۵ و جلد سوم آن در سال ۱۸۹۴ به همت دوست و یاور او فریدریش انگلس انتشار یافت.

بعد ها از یادداشت های تکمیلی مارکس، کتابی به عنوان "تئوری های ارزش اضافی" تدوین شد، که گاه از آن به عنوان جلد چهارم سرمایه نام برده می شود. این اثر نیز به سازوکار نظام سرمایه داری و نقد آن اختصاص دارد.

جلد اول کتاب سیر طولانی سرمایه را در طول تاریخ دنبال می کند: از نخستین وجوه مبادله، پیدایش و رواج پول تا بالاترین جلوه های سرمایه خالص انحصاری. مارکس اشکال سرمایه، مدارج گوناگون و مراحل دگردیسی آن را به تفصیل و با مثال های فراوان توضیح می دهد.

سرمایه از سه مرحله می گذرد: پولی، تولیدی و کالایی. سرمایه پولی درورود به بازار کار، بانثروی کار و وسایل تولید همراه می شود، و به صورت سرمایه تولیدی یا سرمایه بارآوردرمی آید. سرمایه تولیدی با تولید کالا به سرمایه کالایی متحول می شود. کالا با ورود به بازار به نو به خود، پول فراهم می آورد که باز بخش اعظم آن به سرمایه پولی بر می گردد و آن را با شتاب و شدت بیشتری به حرکت می اندازد. به نظر مارکس این سیر دورانی، مدام تندتر و پیچیده تر می شود.

headlineپویایی و رشد دایمی سرمایه

در روند رشد سرمایه و بازتولید آن، مارکس مراحلی مانند تجمع، انحصار و تمرکز را تشریح می کند. سرمایه تولیدی از آغاز دو بخش دارد: ثابت و شناور (ناپایدار). سرمایه شناور است که کار را به استخدام می گیرد (با تمایز میان کار مجرد و کار مشخص، کار مولد و غیرمولد).

با ارزشی که بر اثر کار (یک نیروی اجتماعی) پدید می آید و به صورت کالا مجسم می شود، یک "ارزش افزوده" برمی گردد که سرمایه را باز هم فریه تر می کند. مارکس شکل های گوناگون ارزش افزوده یا اضافی را به صورت مفصل و فنی توضیح می دهد.

سرمایه در روند رشد خود، با دینامیسمی درونی و وقفه ناپذیر مدام رشد می کند و مانند توده بهمن، مدام بزرگتر می شود و تمام موانع را از سر راه بر می دارد، یا "آنها را می بلعد تا خود فریه تر شود، و وقتی دیگر مانعی نبود، سرانجام خود را می بلعد." به نظر مارکس بزرگ وانبوه شدن در ذات سرمایه است، و ثابت ماندن در حکم مرگ آن است. او تلاش می کند ثابت کند که این رشد تا ابد ممکن نیست و در جایی به رکود و سپس بحران می کشد و آنگاه است که ساعت مرگ سرمایه فرا می رسد.

headlineبحران در ذات سرمایه

جلد دوم بار دیگر از فرایند تولید سرمایه داری سخن می گوید و از بازسازی فراگرد دورانی و بی پایان سرمایه (از روند تبدیل سرمایه به کالا تا مرحله سرمایه به سرمایه و …) تا برخی از جوانبی که در جلد اول کتاب مسکوت مانده بود: انواع تولید (تولید کالا و مواد مصرفی تا تولید افزار تولیدی)، اشکال سود و بهره و …

مارکس نکته ای را یاد آور می شود که برای درک بحران های نظام مهم است: در فراگرد بغرنج انباشت سرمایه، پس از تراکم و تمرکز و انحصار، بخشی از نقدینه خود را از روند تولید آزاد می کند و به صورت سرمایه خالص مالی به جریان می افتند. انبوهه ثروت فردی بر کل روند تولید چیره می شود و بر سیر آن تأثیر می گذارد. اصل "کمترین سرمایه برای بیشترین بهره" رقابت طبیعی کار با سرمایه را به رقابت شدید سرمایه با سرمایه متحول می کند. هرگاه سرمایه به سودی هم ارزش موازین مشخص رقابت در بازار دست نیابد، کل نظام دچار بحران می شود.